

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۶/۳۱

ابعاد شخصیتی و کارنامه سیاسی عبدالله یاسائی

(نماینده مردم سمنان و دامغان در مجلس شورای ملی)

(۱۳۰۹-۱۳۰۲ ه.ش.)

محمدعلی علینزاده

استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

شیما دولابی

کارشناس ارشد تاریخ

چکیده

عبدالله یاسائی، نماینده مجلس شورای ملی در ادوار پنجم تا هفتم و از جمله هواداران سلطنت پهلوی بود که در به سلطنت رساندن رضاخان و خلع سلسله قاجاریه تلاش‌های وافری با همراهی تدین و داور انجام داد؛ وی در مجلس پنجم از مجموع ۱۵۶۴۳ رأی با اخذ ۱۰۷۱۴ رأی، موفق به تصاحب کرسی نمایندگی شورای ملی به نمایندگی از سوی مردم شهرهای دامغان و سمنان گردید و در دو دوره بعد نیز با کسب اکثریت آراء یعنی ۱۴۲۵۷ رأی از تعداد ۱۴۶۸۹ رأی توانست بر مسند نمایندگی باقی بماند. شایان ذکر است این اعداد و ارقام مربوط به زمانی است که مردم اهمیت چندانی به امر انتخابات نمی‌داده‌اند و انتخابات در دوره‌های پنجم و ششم و هفتم مجلس شورای ملی بیشتر جنبه صوری و فرمایشی داشته است.

این پژوهش، ضمن بررسی جریان‌شناسی تاریخی مجلس شورای ملی در آغاز دوران سلطنت پهلوی اول، به عملکرد سیاسی عبدالله یاسائی - نماینده دامغان در ادوار مذکور - می‌پردازد. روش پژوهش، تاریخی و متکی بر اسناد آرشیوی و مطالعات کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل داده‌هاست. نگارنده در این مقاله کوشیده است ضمن معرفی ابعاد شخصیتی و کارنامه سیاسی عبدالله یاسائی، به بازکاوی جنبه‌های مختلف زندگی و عملکرد وی در مجلس شورای ملی و مواضع او در قبال سلطنت قاجار و پهلوی بپردازد.

کلیدواژه‌ها: مجلس شورای ملی، عبدالله یاسائی، پهلوی، انتخابات، دامغان، سمنان.

عبدالله یاسائی فرزند حاج میرزا ملا محمدعلی یزدی است که در سال ۱۲۶۴ ه.ش. در شهر یزد متولد شد. تحصیلات وی در علوم معقول و منقول و سال‌ها در کسوت روحانیت بود و از آن‌جا که طبع شعری نیز داشت، برای خود عنوان «صدرالادبای یزدی» را انتخاب نمود. وی به امور تجاری نیز می‌پرداخت و در این رشته، پیشرفت زیادی کرد. او مدتی نیز مدیر مدرسه‌ای در شهر سمنان بود.

یاسائی در انتخابات دوره پنجم، از سمنان به وکالت مجلس رسید و از منظر سیاسی، به داور و تدین نزدیک شد و از آن‌جا که اهل نطق و بیان بود و غالباً پاسخ و کلامی مخالف را می‌داد، در مجلس پنجم که طرح وکلای مجلس درباره خلع سلسله قاجاریه مطرح گردید، وی با کمک داور، به تمام مخالفان پاسخ داد و حتی در دوره‌های ششم و هفتم نیز توانست به عنوان وکیل به مجلس راه یابد.^۱

یاسائی در تمام دورانی که نماینده مجلس بود، اهتمام تامی به شرکت در تمامی جلسات مجلس داشت و نمایندگان نیز این موضوع را تصدیق می‌نمودند.^۲

در دوره هفتم مورخ ۲۷ فروردین ماه ۱۳۰۸ ه.ش. نظار، نتیجه آراء کمیسیون‌های هشت‌گانه منتخبه در مجلس را اخذ کرده و نتیجه اخذ آراء در جلسه ۲۲ فروردین ۱۳۰۸ ه.ش. بدین ترتیب اعلام شده است:

کمیسیون قوانین عدلیه:

عده رأی‌دهندگان ۱۰۵ نفر، آراء مأخوذه ۱۰۰ رأی و آقای یاسائی ۷۴ رأی.^۳

در طی مجلس پنجم، یاسائی به غیر از مخبري کمیسیون قوانین عدلیه، جزو حائزین اکثریت کمیسیون نظام نیز گردید.^۴ وی مدتی هم نایب رئیس مجلس بود.^۵

یاسائی پس از پایان دوره هفتم، به ریاست کل تجارت، منصوب شد و سال‌ها در آن سمت باقی ماند. مدتی نیز مدیر عامل یک شرکت هواپیمایی بود و این نشان از مشارکت گسترده وی در امور اقتصادی داشت؛ تا زمانی که داور در قید حیات بود، یاسائی نیز در حقیقت، مشیر و مشاور او به شمار می‌رفت.

یاسائی در سال ۱۳۱۱ ه.ش. از ریاست اداره کل تجارت برکنار و مغضوب شد و علت برکناری او نیز بدین علت بیان می‌شد که وی توازن بین واردات و صادرات به شوروی را رعایت نکرده است. او می‌بایست به هر میزان که از شوروی قند وارد می‌کرد، در قبال آن برنج صادر می‌نمود که در این کار مسامحه کرد و مورد غضب رضا شاه واقع شد و حتی شفاعت مخبرالسلطنه رئیس الوزرا نیز به جایی نرسید.^۶

البته اخلاق دیکتاتورمنشانه رضا شاه این‌گونه بود که قدرت‌گیری اطرافیان را نمی‌توانست تحمل کند و به همین دلیل در برابر قدرت‌گیری داور و تدین و تیمورتاش واکنش‌های سختی نشان داد و هرکدام را با

۱. نک: عاقلی، باقر، شرح حال رجال سیاسی و نظامی ایران، ج ۳ (تهران: گفتار، ۱۳۸۰).

۲. مرسلوند، حسن، زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۴ (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸)، ص ۲۳۱.

۳. مشروح مذاکرات مجلس، دوره ششم، جلسه ۱۱۷ (۲۱ خرداد ۱۳۰۶).

۴. همان، دوره هفتم (۴ آذر ۱۳۰۷).

۵. همانجا.

۶. عاقلی، همان؛ ص ۱۸۰۷.

دسیسه‌چینی، یا به قتل رساند و یا زندانی و خانه‌نشین کرد؛ مغضوب شدن یاسائی هم شاید به دلیل نزدیکی‌اش با افراد نامبرده باشد.

زرین کوب در این خصوص، بر این باور است که:

... همواره در تمام امور فقط رأی او بر همه امور حاکم باشد و مجلس و مطبوعات و هیئت دولت، وسیله باشند تا او آنچه را که اطرافیانش اراده ملوکانه می‌خواندند، به وسیله آن‌ها تصویب و تنفیذ نماید. کسانی از وزراء و حکام و رجال که از این حد به نحوی تجاوز می‌کردند، به هر بهانه‌ای، سخت، مؤاخذه می‌شدند و به مجازات می‌رسیدند.^۱

مواضع یاسائی در قبال خلع قاجاریه و روی کار آمدن پهلوی

فرمان انتخابات دوره پنجم که قبلاً به تأیید احمدشاه رسیده بود،^۲ پیش از انقضای مجلس چهارم صادر شد. انتخابات تهران در زمان رسمیت داشتن مجلس چهارم آغاز گردید و خاتمه یافت؛ ولی انتخابات دیگر نقاط کشور، پس از مدت قانونی و پایان یافتن مجلس چهارم، به دست امرای لشکر و وزارت جنگ و گروه‌های متنوّذ دیگر انجام پذیرفت.^۳

کمتر دوره‌ای از مجالس قانون‌گذاری از لحاظ اهمیت به دوره پنجم می‌رسد و از حیث منابع پژوهشی از محدود دورانی است که به تفصیل در مورد آن سخن گفته شده و همین، اهمیت این دوره را می‌رساند. دستجات و فراکسیون‌های این دوره نیز نقش بسیار مهمی را در جریان‌های سیاسی ایفا کرده‌اند. این دوره، اوج تلاش‌های بی‌وقفه سردار سپه و طرفدارانش بود که رضاخان را به عنوان تنها ناجی ایران و مایه آرامش و آسایش مردم معرفی کنند و سلسله قاجار را مایه ذلت و بدبختی مردم، و اینکه پادشاهان این سلسله، کشور را در این وضع اسفناک رها کرده و با پولی که به عنوان مالیات از مردم می‌گیرند، در کشورهای اروپایی به خوشگذرانی می‌پردازند، از نظر آنان این تنها رضاخان بود که در برابر شورش‌های داخلی که ممکن بود برخی از آن‌ها در نهایت منجر به تجزیه ایران شود، یک تنه ایستاده، و سرانجام، حاصل این تلاش‌ها به انقراض سلسله قاجاریه منتهی گردید.

نمایندگان این دوره، در دو دسته اکثریت و اقلیت، متمرکز شده بودند که در مقابله با یکدیگر به فعالیت پرداختند. حسین مکی در کتاب تاریخ بیست‌ساله بیان می‌دارد:

اکثریت مجلس را در این دوره، نمایندگان ائتلافی فراکسیون تجدد (حدود ۴۰ تن) به رهبری سیدمحمد تدین و فراکسیون سوسیالیست (حدود ۱۴ تن) به رهبری سلیمان میرزا تشکیل می‌دادند و در برابر این اکثریت، فراکسیون اقلیت قرار داشت که [به رهبری] سیدحسن مدرّس بود. اقلیت و اکثریت به موجب سنت پارلمانی در برابر یکدیگر به فعالیت پرداختند و جریان‌ات و حوادث سیاسی روز، بیش از پیش مسئله ناهماهنگی نمایندگان را مطرح کرد.^۴

۱. زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران (تهران: سخن، ۱۳۷۸)؛ ص ۳۱۳.

۲. بهار، محمدتقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱)؛ ص ۲۰۱.

۳. شجاعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی (تهران: سخن، ۱۳۷۲)؛ ص ۲۰۹.

۴. مکی، حسین، تاریخ بیست‌ساله ایران، ج ۲ (تهران: جاویدان، ۱۳۶۱)؛ ص ۱۳۵.

فراکسیون اقلیت به رهبری مدرّس، سعی در به هم زدن تمام اقدامات حکومت داشت.^۱ نقطه اوج درگیری و اختلاف اقلیت و اکثریت در دوره پنجم با سیلی خوردن مدرّس از حسین بهرامی^۲ (عضو فراکسیون اکثریت) بر سر نهضت جمهوری خواهی (به رهبری سردار سپه)، به منصفه ظهور رسید. به گفته زهرا شجیعی:

توهین به لیدر اقلیت که به سبب شخصیت بارز سیاسی و خصوصیات و امتیازات اخلاقی دارای وجهه ملی خاصی بود، سبب شد که طبقات مختلف مردم و بازاریان با حمایت و پشتیبانی از علمای تهران درصدد مخالفت با رژیم جمهوری برآمدند و در نهایت، جمهوری خواهی، عقیم و خنثی ماند.^۳

طلوعی نیز بر این باور است که:

در واقع با عقیم ماندن جمهوری خواهی، مخالفت با حکومت قاجاریه، مورد سکوت واقع نشد.^۴ طی ۷ جلسه، نمایندگان بحث‌های طولانی و ظاهراً بی‌نتیجه‌ای در مورد خلع قاجار انجام دادند. مؤتمن‌الملک و مستوفی‌الممالک هر کدام به ترتیب از قبول ریاست مجلس خودداری کردند تا بدین وسیله مجالس بدون رئیس، رسمیت تصویب قانونی را نداشته باشد.

طلوعی هم‌چنین اشاره می‌دارد:

با خودداری مستوفی‌الممالک از جلوس بر کرسی ریاست مجلس، تصدّی این مقام به سیدمحمد تدّین، نائب رئیس اول که از طرفداران سرسخت رضاخان بود، محوّل شد. در جلسه هفتم که مقدمات طرح پیشنهاد خلع قاجاریه در مجلس فراهم گردیده بود، تدّین اعلام داشت که روز شنبه ۱۹ آبان ۱۳۰۴ جلسه برای اخذ تصمیم برای خلع قاجار تشکیل خواهد شد. در این فاصله، تدّین و تیمورتاش و سایر طرفداران رضاخان با او ملاقات کرده و درباره روشی که باید در جلسه نهم در پیش بگیرند، دستوراتی گرفتند.^۵ در جلسه ۹ آبان که تدّین ریاست آن را بر عهده داشت، گزارش کمیسیون عرایض مجلس قرائت شد؛ مبنی بر اینکه از کل ایران تلگراف‌هایی دال بر عدم رضایت از سلطنت قاجاریه رسیده و مردم خواستار تغییر سلطنت شده‌اند. کمیسیون با رؤیت میزان بالای تلگراف‌های دریافتی، تصویب کرد تا گزارش قضیه را همراه با تلگراف‌ها به مجلس تقدیم کند تا مجلس هر طور که به صلاح است، عمل نماید. به گفته طلوعی:

نمایندگان اکثریت پس از خواندن راپورت کمیسیون عرایض که از قبل خود را برای تأیید تلگراف‌های واصله برای خلع قاجاریه آماده کرده بودند، در این باره، داد سخن دادند. ملک‌الشعراى بهار که از طرف

۱. پاولویچ تریا، ایوانسکی، سه مقاله درباره مشروطه ایران، ترجمه م. هوشیار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷، چاپ دوم)؛ ص ۳۴۲.
۲. دکتر حسین احیاءالسلطنه همان دکتر حسین بهرامی است. وی در مجلس پنجم از طرفداران رضاخان بود و از مدافعين سرسخت جمهوری. چون مدرّس با جمهوری مخالفت می‌کرد، وی سیلی محکمی به گوش مدرّس نواخت ولی به اندازه‌ای انعکاس آن در افکار زنده و موهن بود که برخی عقیده دارند که این سیلی به گوش جمهوری خورد، نه به صورت مدرّس. (بهبودی، هدایت‌الله، روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۳ (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹)؛ ص ۵۸۷.
۳. شجیعی، همان؛ صص ۲۱۱-۲۱۰.
۴. طلوعی، محمود، پدر و پسر (تهران: علم، ۱۳۷۳)؛ ص ۱۹۳؛ نیز: آوری، پیتر، تاریخ معاصر ایران، ترجمه مرتضی ناقبفر (تهران: حامی، ۱۳۸۴)؛ ص ۵۰۶.
۵. طلوعی، همان؛ ص ۱۸۵.

نمایندگان اقلیت صحبت می‌کرد، بر خطرات متزلزل شدن قانون اساسی و «مقراض کردن» آن در آینده اشاره کرد.^۱

در مجلس پنجم مورخ ۷ آبان ۱۳۰۴ یاسائی بعد از نطق تدین، درخصوص نحوه انتقال سلطنت از قاجار به پهلوی مواردی را به شرح ذیل متذکر می‌شود:

مجلس پنجم؛ جلسه ۲۱۰ - پنجشنبه ۷ آبان ۱۳۰۴ هـ.ش.

نائب رئیس (تدین) - از اواسط مهرماه تا امروز، تلگرافات عدیده‌ای از طرف وجوه اکابر و مشاهیر و کمیسیون مختلط ملی آذربایجان و طبقات مختلف و همچنین از ایالات و ولایات به مجلس مقدس شورای ملی شده، دال بر عدم رضایت از سلطنت قاجاریه و تغییر سلطنت از این سلسله و تعیین تکلیف از مقام مقدس مجلس شورای ملی. کمیسیون در جلسات عدیده، تلگرافات فوق‌الذکر را تحت مذاقه گذارده و بالأخره تصویب می‌نماید که راپورت قضیه را به ضمیمه تلگرافات مذکور، تقدیم مجلس شورای ملی نماید که هر طور مقتضی و صلاح است، تعیین تکلیف و جواب تلگرافات مزبور صادر شود.^۲

یاسائی - بنده عقیده دارم مجلس شورای ملی تلگرافاً از مردم استعمال کند... ملت هم اگر میل دارد و به ما اختیار بدهد، ما هم تجدیدنظر بکنیم در مورد مواد ۳۵، ۳۶، ۳۷ و سایر مواد متعلقه به حقوق سلطنت و آنچه را که مقتضی است، به عمل بیاوریم؛ زیرا ماده ۳۵ قانون اساسی می‌گوید، سلطنت ودیعه‌ای است که به موهبت الهی از طرف ملت به شخص شاه مفوض شده؛ این ماده می‌رساند که ملت می‌دهد و ملت می‌گیرد. ملت، سلطنت را به شخص به عنوان ودیعه اعطا می‌کند و اگر سوءظن پیدا کرد که آن شخص که این ودیعه به او سپرده شده است، نمی‌تواند از عهده حفظ آن برآید، آن ودیعه را استرداد کند. در هر صورت، ملت می‌تواند این کار را بکند.

وقتی ملت به ما گفت شما مختارید از جانب ما، تجدیدنظر کنید در قانون اساسی و مخصوصاً راجع به سلطنت و تبدیل و انتقال آن، ما آن وقت وارد می‌شویم و به هر طور که مقتضی است، رفتار خواهد شد. بنده مراجعه می‌کنم به حوزه انتخابیه خود؛ اگر موکلین به من اجازه دادند، بنده می‌آیم و اقداماتی که مقتضی است، می‌کنم.^۳

یاسائی پیشنهادی به مجلس ارائه می‌کند، مبنی بر اینکه:

مجلس مؤتسانی تشکیل شود و راجع به سه، چهار ماده که درخصوص حقوق سلطنت است، تجدیدنظر کند و تکلیف حکومت قطعی در مملکت را در آتیه معین کند.^۴

درنهایت با تصویب اکثریت ۸۰ رأی از ۸۵ رأی، سلسله قاجار خلع و حکومت موقت به رضاخان پهلوی سپرده شد و تعیین پادشاه، منوط به تشکیل مجلس مؤتسان گردید که در نهایت، مجلس مؤتسان در تاریخ ۲۱ آذر ماه ۱۳۰۴ هـ.ش. رضاخان پهلوی را به عنوان شاه ایران معرفی کرد.

۱. طلوعی، همان؛ ص ۲۱۴.

۲. مشروح مذاکرات مجلس، دوره پنجم، جلسه ۲۱۰ (۷ آبان ۱۳۰۴).

۳. همانجا.

۴. همان، جلسه ۲۱۱ (۹ آبان ۱۳۰۴).



اوضاع انتخاباتی مجلس پنجم و مواضع یاسائی در قبال آن

مجلس پنجم قوانین زیادی وضع کرد که عمده‌ترین آن، قانون اعلام انقراض سلطنت قاجاریه و تفویض حکومت موقت به شخص رضاخان پهلوی بود.^۱

بهبودی بیان می‌دارد:

رضاخان وزیر جنگ در تلگرافی که امروز به امیر لشکر شرق فرستاد، از انتخابات به عنوان حقوق مخصوص مردم یاد کرد که باید در آزادی برگزار شود. این تلگرام که به صورت اطلاعیه‌ای در خراسان نشر می‌یافت، پوششی برای همه اعمال نفوذهای و صلب آزادی‌های انتخاباتی نمایندگان بود.^۲

در جریان انتخابات مجلس پنجم، شکایت از روند برگزاری انتخابات زیاد بود؛ با توجه به قشر بی‌سواد جامعه و آمار بالای آن‌ها در کشور مسلماً مخفی نگه داشتن آراء افراد، دور از انتظار نبود و این امر، بستر مناسبی را برای نفوذ افراد متنفذ و اعمال نظر آن‌ها در آراء افراد فراهم می‌نمود.

رضاخان وزیر جنگ در توضیح به توصیه‌های قبلی خود درباره مشخصات افرادی که می‌توانند به مجلس شورای ملی راه یابند، در تاریخ سه‌شنبه ۶ فروردین ۱۳۰۲ ه.ش. به امیرلشکر غرب نوشت: از ورود افرادی که وابسته به فرقه‌های تندرو مثل دموکرات یا سوسیالیست هستند، جلوگیری کنید. در ماه‌های آینده، وزیر جنگ، از ذکر کلیات عبور کرده و مشخصاً از نام افرادی که باید وارد مجلس پنجم شوند، یاد کرد.^۳

با دخالت‌های غیرقانونی در انتخابات، به غیر از تهران و چند شهر دیگر که انتخابات در آن‌ها نسبتاً آزادانه انجام شد، در سایر مناطق کشور، افراد مورد نظر خود را به مردم تحمیل نمودند؛ با این وجود، ملیون برخلاف خواست رضاخان وارد مجلس شدند و فراکسیون اقلیت را تشکیل دادند.^۴

بهبودی هم چنین اظهار می‌دارد:

رضاخان از تمامی افراد لشکر می‌خواهد که اسامی فرستاده شده، به وکالت مجلس برسند اما به ترتیبی که منبع و منشأ اقدامات، به کلی مجهول و نامعلوم باشد.^۵

همین‌طور:

بنا بر اخبار رسیده از دامغان، صدرالادبا با ۳۸۰۰ رأی حائز اکثریت آراء باشد اما هیئت مستخرجین آراء، در موقع استخراج، اسامی که در آراء بوده، حذف و به اسم صدرالادبا قرائت می‌نمودند.^۶

جلسه مورخ ۱۶ خرداد ماه ۱۳۰۶ ه.ش. به بحث بین یاسائی و مدرس گذشت. اشکالاتی که مدرس از نظام می‌گرفت و تعاریفی که یاسائی از رضا شاه و خدماتی که او انجام داده بود، خود بیانگر اختلاف آن دو است.

۱. ماده واحده - مجلس شورای ملی، به نام سعادت ملت ایران، انقراض سلسله قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص رضاخان پهلوی واگذار می‌نماید. تعیین حکومت قطعی، موکول به نظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل می‌شود. (مروارید، یونس، از مشروطه تا جمهوری، ادوار مجلس قانونگذاری در دوران مشروطیت، ج ۴ (تهران: واحدی، ۱۳۷۷)؛ ص ۱۳۸۹).

۲. بهبودی، همان؛ ص ۱۶۸.

۳. همان؛ ص ۱۷۳.

۴. همان؛ ص ۲۰۵.

۵. همان؛ ص ۱۳۶.

۶. همانجا.

از نظر مدرّس و همفکران وی که از آغاز روی کار آمدن رضا شاه با وی مخالف بودند، اعتقاد به این بود که شخص رضا شاه، به هروسيله‌ای که بتواند می‌خواهد به کمک قشون خود در انتخابات دوره پنجم مداخله کند. مدرّس در گردهمایی مورّخ ۲۷ بهمن ۱۳۰۲ هـ.ش. که با هم‌فکران خود داشت، در خلال گفت‌وگو، از حاضران خواست تا مردم را متوجّه موضوع کنند؛

هدایت‌الله بهبودی در کتاب *روزشمار تاریخ معاصر ایران* در این خصوص ابراز می‌دارد:
به هروسيله‌ای که می‌توانید به مردم بفهمانید که وکلای دوره پنجم بدون موکل هستند و این‌ها را مردم انتخاب نکرده‌اند.^۱

منصوره اتحادیه نیز در این مورد بر این باور است که:

آنچه را که نمایندگان تصوّر نمی‌کردند، دخالت قشون به نفع سردار سپه در انتخابات دوره پنجم بود؛ البته با قدرتی که قشون در آن وقت کسب کرده بود و با ضعف‌های قانون که به مأموران دولت، امکان دخالت در انتخابات را می‌داد و راهی برای جلوگیری از آن نبود.^۲
به گفته فرهاد دوستی:

انتخابات دوره پنجم در اکثر نقاط، قبل از تشکیل کابینه سردار سپه انجام گرفت ولی ارتش که تحت فرمان او بود، در انتخابات ولایات دخالت داشت. در این وقت، سردار سپه فقط داعیه ریاست فدایی نداشت بلکه هدف او ایجاد یک حکومت و در نهایت، ریاست بر آن بود، به همین دلیل، به حمایت مجلس نیاز داشت که به او مشروعیت بخشد.^۳ رضاخان به عنوان وزیر جنگ و فرمانده کلّ قوا به اعمال نظر در انتخابات مبادرت می‌ورزید؛ برای مثال، تلگرافی بدین مضمون به حاکم فارس مخابره می‌کند و متذکّر می‌شود که ایالت جلیله فارس در تعقیب سابق، مقتضی است قدغن فرماید که در انتخابات نوبخت از بوشهر مساعدت نشود. راجع به ضیاءالواعظین بایستی هرطور است اقدامی فرماید تا از انتخاب مشارالیه جلوگیری به عمل آید.^۴

اما مواضع یاسائی کاملاً در جهت مخالفت با سیاست‌های مدرّس و تأیید اقدامات سردار سپه بود؛ به‌گونه‌ای که وی در جلسه ۱۱۵ مورّخ ۱۶ خرداد ۱۳۰۶ هـ.ش. در خصوص اقدامات رضا شاه این‌گونه اظهار می‌دارد:

باید تحسین کرد شاه مملکت را به این اصلاحات امور مهم موقّف شده‌اند و امنیت را در مملکت برقرار کرده. این وضعیّت در سایه توجّهات اعلی حضرت همایونی پیدا شده و باید به ایشان مساعدت کنیم... .
عرض می‌کنم که پهلوی، موجب سعادت این مملکت است. پهلوی را خدا برانگیخته است برای اینکه این مملکت را ترقی دهد. هرکس مخالف رویه او باشد، بنده او را خائن به این مملکت می‌دانم و بنده آن را آلت دست اجنبی می‌شناسم. شخصی که شب و روز و تمام اوقات خودش را صرف مصالح و منافع این مملکت می‌کند ...^۵

۱. همان، به نقل از: *مشروح مذاکرات مجلس*.

۲. اتحادیه، منصوره، *مجلس و انتخابات* (تهران: گستره، ۱۳۸۲)، ص ۲۲۰.

۳. دوستی، فرهاد، *خاندان پهلوی به روایت اسناد* (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بنیاد مستضعفان و جانبازان، ۱۳۷۸)، ص ۱۵۷.

۴. دوستی، همان؛ ص ۱۵۱؛ سند ۴۶ و ص ۱۵۳؛ سند ۴۹ و ص ۴۳۰.

۵. *مشروح مذاکرات مجلس*، دوره ششم، جلسه ۱۱۵ (۱۶ خرداد ۱۳۰۶).



کارنامه سیاسی عبدالله یاسائی در مجلس پنجم

با مطالعه عملکرد یاسائی در دوره پنجم، ششم و هفتم مجلس شورای ملی از منظر توجه و تلاش در جهت رفاه عمومی، نگرشی مثبت از نامبرده در ذهن متبلور می‌شود. صرف نظر از نگرش‌های سیاسی و وابستگی وی در ادوار مورد نظر، مخالفت موردی او با سیاست‌های پهلوی اول خود نکته‌ای قابل اعتنا به نظر می‌رسد؛ به طور مثال، در جلسه ۱۳۶ شنبه ۱۵ اسفند ۱۳۰۳، یاسائی با پیشنهاد رضاخان مبنی بر تعمیر مقبره فردوسی، مخالفت خود را این‌گونه بیان می‌کند:

اساساً بنده با این‌طور پیشنهادها مخالفم. البته تکريم فردوسی لازم است ولی به عقیده بنده، نگهداری از فقرائی که از گرسنگی می‌میرند، لازم‌تر است.^۱

حتی در برخی از جلسات، نامبرده به انتقاد از عملکرد دولت موقت پرداخته؛ به عنوان مثال در جلسه ۱۹۵ مقارن با پنج‌شنبه ۱۲ شهریور ۱۳۰۴ هـ. ش.:

وضعیت ارزاق در این سال، مشکل است و در حدود سمنان و دامغان و شاهرود امسال مردم فوق‌العاده مبتلا و در مضیقه هستند و دولت هم هنوز نتوانسته آذوقه مالی آن حدود را تهیه کند. سمنان همیشه آذوقه سه‌ماهه خودش را بیشتر نداشته. شاهرود هم بیش از ۴ ماه آذوقه ندارد و باید از حدود بجنورد و اسفراین گندم وارد کند. فقط دامغان در یک سال، یک مقدار اضافه دارد. دولت در نظر گرفته که اگر منازل آن حدود را اداره کند، شاید اهالی، آسوده شوند؛ در صورتی که این‌طور نیست. اهالی آن‌جا معتاد به خوردن نان خانه هستند و خبازی‌ها که باز است فقط برای عابرین و زوار است و دولت باید عاجلاً یک علاج فوری کند. در بجنورد گندم فراوان است ولی به واسطه سوق قشون و چون مال‌گیری هم در آن حدود، متداول است، آوردن گندم مشکل است. تجار هم دست بسته شدند؛ به‌علاوه برای بذرکاری در سنه آتیه باید یک فکری کرد. مملکت ما یک مملکت زراعتی و فلاحتی است؛ به واسطه سردی هوا و عدم بارندگی در سنه گذشته، زراعت فاسد شده است و یک قسمت هم گله‌دار بودند که گوسفندهای آن‌ها خیلی تلف شده است. فقط چیزی که فراوان و ارزان است، گوشت است و روی هم رفته مردمی که نان ندارند، به هیچ چیز آن‌ها اعتمادی نیست و دولت مقدم بر هر کاری در هذه السنه باید اهمتامی در امر ارزاق عمومی کند.^۲

با مطالعه مشروح مذاکرات، بارها دیده می‌شود که یاسائی از نوع نگارش و انشاء قانون اساسی و حتی قوانینی که برای تصویب به مجلس آورده می‌شود، ایراداتی گرفته است. به نظر می‌رسد دلیل این امر در ابتدا دید وسیع وی در مسائل سیاسی و در ثانی تجربه او در نگارش نظم و نثر بوده و البته به همین علت به صدرالآدبا نیز مشهور شده است؛ به عنوان مثال، در جلسه مورخ ۱۸ اسفند ۱۳۰۳ هـ. ش. که قرار بود مذاکراتی پیرامون قوانین وضع شده در مورد تریاک و تنباکو و محاکمه متهمین به قاچاق این کالا باشد و اینکه کلیه توتون و تنباکو که برای حمل به خارج تهیه و از سر حد خارج می‌شود، از مالیات مندرج در ماده ۲ معاف باشد، بعد از بحث طولانی پیرامون این موضوع، یاسائی مجدداً مخالفت خود را با نوع نگارش و انشای این قانون بیان می‌دارد و باز هم به نقایص و ایرادات قانون اساسی اشاره می‌کند.^۳ حتی در جلسه ۱۵

۱. همان، دوره پنجم، جلسه ۱۳۶ (۱۵ حوت ۱۳۰۳/۹ شعبان ۱۳۴۳).

۲. همان، جلسه ۱۹۵ (۱۲ شهریور ۱۳۰۴).

۳. همان، جلسه ۱۲۷ (۱۸ اسفند ۱۳۰۳).

اسفند ۱۳۰۳ نیز ایراداتی بر قانون اساسی گرفته و معتقد است که بر طبق مقتضیات زمانی، قانون اساسی را باید از نو نوشت و اظهار داشت که افرادی که قانون اساسی را نوشته‌اند، صلاحیتشان بیش از بنده و سایرین نبوده است.^۱

از مشروح مذاکرات دوره‌های پنجم تا هفتم مجلس شورای ملی برمی‌آید که این روند مخالفت‌های یاسائی کماکان در دوره‌های بعدی نیز تداوم داشته است؛ از جمله در مجلس ششم جلسه ۱۲۴ مورخ ۶ تیر ماه ۱۳۰۶ ه.ش. به مخالفت با استخدام سه نفر متخصص تبعه فرانسه برای تلگراف بیسیم می‌پردازد^۲ و حتی در راستای حمایت از سیاست‌های پهلوی اول، در مجلس هفتم جلسه ۵۶ مورخ پنجشنبه ۶ تیر ماه ۱۳۰۸ ه.ش. به مخالفت با سخن یکی از نمایندگان مبنی بر اینکه محصلی که خوب تحصیلات کرده است، در بیروت و فرانسه هم می‌تواند تحصیلات خود را ادامه دهد، به ایراد این مطلب می‌پردازد که:

بنده با این پیشنهادات به کلی مخالفم و عقیده ندارم که محصلین ایرانی در هر مملکتی بروند و تحصیل کنند. باید بروند و در ممالک معینی تحصیل کنند. در بیروت که جزو ممالک مستعمره است، نباید شاگرد ایرانی با روحیات مستعمره تربیت شود. بنده عقیده‌ام این است که همین‌طور که دولت پیشنهاد کرده است، تصویب شود؛ بهتر است شاگردان ایرانی در ممالک آلمان و فرانسه و سوئیس بروند و تحصیل کنند.^۳

مواضع یاسائی در قبال مستشاران خارجی

با بررسی مواضع یاسائی در قبال برخی از مصوبات مجالس مذکور، بهتر می‌توان به تحلیل ابعاد شخصیتی وی پی برد.

در مجلس پنجم جلسه ۱۸ مورخ ۱۹ خرداد ۱۳۰۴، یک ماده برای تصویب در مجلس قرائت شد: وزارت مالیه مجاز است به پیشنهاد رئیس کل مالیه، کنترات ۱۱ نفر مستخدم بلژیکی گمرکات را که اسامی آن‌ها ذیلاً شرح داده شده است، به مدت ۳ سال از تاریخ ۴ شهریور ۱۳۰۴ با حقوقی که مقابل اسامی هریک ذکر شده است، تجدید نماید...^۴

عبدالله یاسائی با این قانون مخالفت کرده و بیان می‌دارد که:

از نقطه نظر فقر عمومی و پریشانی اهالی این مملکت، گاهی می‌شود ارقامی که خیلی برجسته است، به نظر ما خیلی جلوه کند و ما آن ارقام را حمل بر یک چیزهای دیگری می‌کنیم. در ارقام عایدات که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که نوشته‌اند عایدات گمرک، ۱۵ کرور؛ در مقایسه با مالیات مستقیم که ۱۰-۱۲ کرور بیشتر نیست، بر تعجبمان افزوده می‌شود و آن وقت احساسات موافقت با مستخدمین بلژیکی در ما پیدا می‌شود. دیگر حساب نمی‌کنیم ببینیم صادرات و واردات این مملکت چیست؟ دیگر در نظر نمی‌آوریم که پول از این مملکت مثل سیل به خارج می‌رود؛ این حساب‌ها را در نظر نمی‌آوریم و فقط می‌بینیم که یک قلم درشتی است؛ طرفدار این اشخاص می‌شویم. به عقیده بنده نباید این‌طور باشیم. این صادرات و واردات البته عواید گمرکی‌اش بیش از این‌هاست و اگر تعرفه‌ها و قراردادهای گمرکی، یک قدری عادلانه شود، شاید عواید گمرکی ما دو برابر این بود... هر چند صحیح‌العمل باشند؛ هر چند درستکار باشند؛ هر چند

۱. همان، جلسه ۱۲۴ (۱۵ اسفند ۱۳۰۳).

۲. همان، دوره هفتم، جلسه ۱۲۴ (۶ تیر ۱۳۰۶).

۳. همان، جلسه ۵۶ (۶ تیر ۱۳۰۸).

۴. همان، دوره پنجم، جلسه ۹۷ (۲ بهمن ۱۳۰۴).

حسن نیت در قسمت‌های اداره به خرج داده باشند ولی در جاهایی که اساساً مضرّاتی را متوجه این مملکت کرده است، در آن جا که باید، صرفه ما را منظور نکرده‌اند. بروید اطلاع پیدا کنید. اسناد چاپی از وزارت مالیه به دست آورده‌ام.^۱

دیدگاه یاسائی درباره عملکرد میلسپو

در جلسه ۱۲۹ مجلس شورای ملی مورخ اسفند ماه ۱۳۰۳ ه.ش. نمایندگان نسبت به رفتار میلسپو و عملکرد نامطلوب او سخنانی را ایراد کردند. از جمله یاسائی در جواب اظهارات تدین بیان می‌دارد:

در چند جلسه است که آقای تدین نسبت به دکتر میلسپو رئیس کل مالیه اظهاراتی می‌فرمایند که آن اظهارات به عقیده بنده اثرات خوبی نخواهد داشت. یکی از خدمات میلسپوی آمریکایی، تمرکز عایدات است که در مملکت ما خیلی مشکل است و هیچ مسئول تام‌الاختیار ایرانی نمی‌توانست موفق شود که به عایدات این مملکت که باید به صیغ مختلف از این مملکت جمع آوری شود، تمرکز دهد ... از آن دزدی‌ها و اختلاساتی که سابقاً می‌شد، خیلی جلوگیری شده و البته وقت لازم است تا بتواند به کلی جلوگیری کند ... خلاصه خدماتی کرده‌اند و بعدها امیدواری کاملی است که به خدماتشان ادامه دهند و روز به روز به اطلاعاتشان افزوده شده و به کمک این اطلاعات، خدمات بهتری نمایندند...^۲

البته باید در نظر داشت که اکثر قوانینی که در ادوار پنجم، ششم و هفتم مجلس شورای ملی به تصویب رسیده، در جهت پیشرفت و ترقی ایران بوده است؛ از اعتبار دادن به وزارتخانه‌ها گرفته تا ایجاد وزارتخانه‌های جدید و یا تصویب لوایحی چون ایجاد خط راه آهن و تأسیس کارخانه ذوب آهن و استخدام مستشاران خارجی و... .

از جمله مواضع دیگر یاسائی می‌توان به همراهی با نمایندگان موافق در جهت تصویب قانون متحدالشکل شدن البسه اتباع ایران در داخل مملکت^۳ و یا موافقت وی در رابطه با منع خرید و فروش برده در خاک ایران و آزادی برده در موقع ورود به مملکت اشاره داشت که این قانون در ۱۸ بهمن ماه ۱۳۰۷ به تصویب نمایندگان رسیده بود.^۴

همان‌گونه که از مشروح مذاکرات مجلس در دوره‌های مذکور برمی‌آید، شرح تمامی اقدامات عبدالله یاسائی در موارد مختلف، فراتر از حد یک مقاله است. در نتیجه می‌توان جهت جلوگیری از اطاله کلام، مشروح دیگر اقدامات وی را ذیلاً و به طور خلاصه بیان نمود:

- مخالفت وی با گرفتن مالیات به صورت نقدی و جنسی و تأکید بر مالیات نقدی؛ چرا که به نظر او: مالیات به طور عموم باید نقدی باشد زیرا هم صرف دولت است و هم اسباب آسایش و رفاه مؤدیان مالیات اعم از رعیت یا مالک خواهد بود و مالیات جنس اولاً همیشه بودجه مملکت را در حال تزلزل نگه می‌دارد برای اینکه نرخ جنس هرسال تفاوت دارد... به این جهت مالیات باید نقدی شود و اگر فرضاً دولت، جنس لازم داشته باشد، ممکن است خریداری کند و مثل یک نفر کاسب معامله کند. یکی از مضرّات جنس که

۱. همان، جلسه ۱۸ (۱۹ خرداد ۱۳۰۴).

۲. همان، جلسه ۱۲۹ (۱ اسفند ۱۳۰۳).

۳. همان، دوره هفتم، جلسه ۱۹۲ (۴ دی ۱۳۰۷).

۴. همان، جلسه ۲۱۰ (۱۸ بهمن ۱۳۰۷).

تحمل بر ملت است، مخارجی است که به وصول مالیات جنسی تعلق می‌گیرد؛ در صورتیکه مالیات نقدی، این مخارج را ندارد؛ اولاً انبارداری، یک مخارج مفصلی دارد؛ کرایه انبار در نقاط مختلف خودش یک خرج زایدی است و اگر بخواهد انبارهایی در مناطق مختلف درست کنند، مخارج گزافی را دولت باید تحمل کند و اگر کند، سبب زحمت رعیت است. رعیت باید ۲ من یا ۵ من جنس خود را به دوش گرفته؛ بیاورد تحویل انبار بدهد...^۱

- تلاش در جهت افزایش دوره نمایندگی نمایندگان مجلس به بیش از ۲ سال.^۲

- تلاش در جهت تصویب لایحه جلوگیری از قاچاق تریاک با بیان این جمله که:

بنده در قسمت خودمان هرکه قاچاقچی است، می‌شناسم. مفتش مالیه هم با آنها هم‌دست است. بنده می‌دانم و تعقیب هم نمی‌شوند. این قانون هم عملی نیست و بالأخره خودبه‌خود لغو می‌شود. بنده عقیده‌ام این است که ما باید مالیات تریاک را متوجه زراعت کنیم. مالیات جریبانه ببندیم. مالیات کلی ببندیم؛ کمی که سهل‌الوصول باشد، نه زیاد که نشود وصول کرد. عقیده بنده، این است که وقتی ما عنوان قاچاق را می‌آوریم باید همه‌گونه مجازات را قائل شویم.^۳

از جمله قوانین دیگری که مورد توجه و موافقت یاسائی قرار گرفت، می‌توان به قانون ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی در ضمن حفظ تابعیت ایرانی ایشان اشاره کرد.^۴ هم‌چنین می‌توان به مخالفت او با اخذ مالیات از دهقانان^۵ و تلاش در جهت تصویب قانون استخدام کشوری^۶ و نیز اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم^۷ و حمایت او از تشکیلات قضایی در خصوص ایجاد محکمه ابتدایی و محکمه صلح محدود و نامحدود^۸ و نیز اصلاح قانون هزینه‌های سفر نمایندگان از محل انتخاباتی به تهران و هزینه‌های ایاب و ذهاب آنها اشاره داشت که با توجه به گستردگی بحث صرفاً عناوین آنها ذکر گردید.

نتیجه

با مطالعه ادوار پنجم و ششم و هفتم مجلس شورای ملی، بیش از هر موضوعی می‌توان به اهمیت مجلس پنجم پی برد. چراکه روندی که پیش از مجلس چهارم آغاز شده بود، در این دوره به نتیجه رسید و در دوره‌های بعد موجب تثبیت حکومت رضاشاه گردید؛ بسترسازی‌های آرام و بی‌وقفه رضاخان که در نهایت او را رضاشاه کرد، از این دوره به بعد صورت گرفت. نماینده دامغان در این سه دوره عبدالله یاسائی بود که در مجلس پنجم طرفداری شایان توجهی از رضاخان می‌کرد و به لطف قدرت سخنوری که داشت، پاسخ مخالفین را می‌داد، تا جایی که در مجالس بعدی، شخص مخالف با رضا شاه را عامل اجنبی معرفی نمود. در تمام این سه مجلس،

۱. همان، دوره پنجم، جلسه ۲۰۱ (۷ مهر ۱۳۰۴).
۲. همان، جلسه ۱۳۶ (۱۵ اسفند ۱۳۰۳).
۳. همان، دوره هفتم، جلسه ۸۱ (۳۰ آبان ۱۳۰۸).
۴. همان، جلسه ۵۹ (۲۴ مرداد ۱۳۰۸).
۵. همان، دوره پنجم، جلسه ۲۰۰ (۵ مهر ۱۳۰۴).
۶. همان، جلسه ۲۱۶ (۲۱ آبان ۱۳۰۴).
۷. همان، جلسه ۲۲۷ (۱۹ آذر ۱۳۰۴).
۸. همان، جلسه ۲۳۷ (۲۲ دی ۱۳۰۴).



یاسائی به همراه خیل اکثریت نمایندگان، هوادار رضا شاه بود و سعی و اهتمام جدی وی در به تصویب رساندن قوانینی بود که بتواند هرچه سریعتر - به تعبیر خودش - ایران را به کاروان پیشرفت و مدنیت برساند. فرمایشی بودن این مجالس نیز که از این ادوار آغاز شده بود، در دوره‌های بعدی جزو رسوم انتخاباتی گردید.

لیستی که رضا شاه به صلاحدید خود تهیه می‌کرد و برای مراکز انتخاباتی می‌فرستاد، در حقیقت، برای جلب حمایت نمایندگان فرمایشی جهت ادامه دیکتاتوری‌اش بود و مجلس و برخی از نمایندگان نیز به حق و به نحو احسن، این وظیفه را انجام می‌دادند. یاسائی نیز در زمره نمایندگانی بود که در این مسیر، از هیچ کوششی دریغ نورزید. وی که همواره مورد حمایت رضا شاه بود، با اتکاء به قدرت سیاسی و کسب نمایندگی در ادوار ۵ تا ۷ مجلس شورای ملی (حتی با تقلب) توانست کارنامه ارزنده‌ای از خود در مجلس شورای ملی به جا بگذارد. در زمره اقدامات اجتماعی نیز توجه بسیار وی به فقر و پریشانی مردم و تلاش در جهت تصویب قوانین عام‌المنفعه درخور توجه است. هم‌چنین پی‌گیری‌های وی درخصوص وضع قوانین مالیاتی که در زندگی مردم آن روز می‌توانست نقشی کلیدی داشته باشد و موجب رنج بیشتر عامه مردم نشود، قابل تأمل است.

از دیگر اقدامات یاسائی می‌توان به ایراد وی به نقایص نوشتاری و عدم جامعیت و به روز بودن قانون اساسی اشاره کرد. یاسائی تقریباً همیشه جزو موافقین با استخدام مستشاران خارجی بود و در اکثر مواقع، بسیار باریک‌بین و نکته‌سنج به نظر می‌رسید. سخنانش نشان از اشراف کامل او بر قانون اساسی و هم‌چنین اوضاع روز آن زمان است؛ مخصوصاً از بُعد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی. اما درنهایت نظیر اشخاصی هم‌چون داور و تیمورتاش و... که در به قدرت رسانیدن رضا شاه، نقشی اساسی ایفا کردند، مورد غضب رضا شاه واقع شد و از مناصب سیاسی و اجتماعی‌اش برکنار گردید.

کتابنامه

- آتحادیه، منصوره، مجلس و انتخابات (تهران: گستره، ۱۳۸۲).
- آوری، پیتر، تاریخ معاصر ایران، ترجمه مرتضی نایب‌فر (تهران: حامی، ۱۳۸۴).
- بهار، محمدتقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱).
- پاولویچ تریا، ایوانسکی، سه مقاله درباره مشروطه ایران، ترجمه م. هوشیار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷، چاپ دوم).
- دوستی، فرهاد، خاندان پهلوی به روایت اسناد (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بنیاد مستضعفان و جانبازان، ۱۳۷۸).
- زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران (تهران: سخن، ۱۳۷۸).
- شجیعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی (تهران: سخن، ۱۳۷۲).
- طلوعی، محمود، پدر و پسر (تهران: علم، ۱۳۷۳).
- عاقلی، باقر، شرح حال رجال سیاسی و نظامی ایران، ج ۳ (تهران: گفتار، ۱۳۸۰).
- مرسلوند، حسن، زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۴ (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸).
- مروارید، یونس، از مشروطه تا جمهوری؛ ادوار مجلس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت، ج ۴ (تهران: واحدی، ۱۳۷۷).
- مکی، حسین، تاریخ بیست‌ساله ایران، ج ۲ (تهران: جاویدان، ۱۳۶۱).

اسناد و مطبوعات

- آرشیو اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی.

۱۳۱۲ هـ

تمام نسیب ریاست مجلس شورای عالی دولت برادر

مجلس شورای عالی دولت برادر

بنام ششم و ششم و ششم و دولت برادر و حقوق کسب گرفته ام

مجلس نمود. بعد از در جواب مردم فرموده که مورد احتیاج است

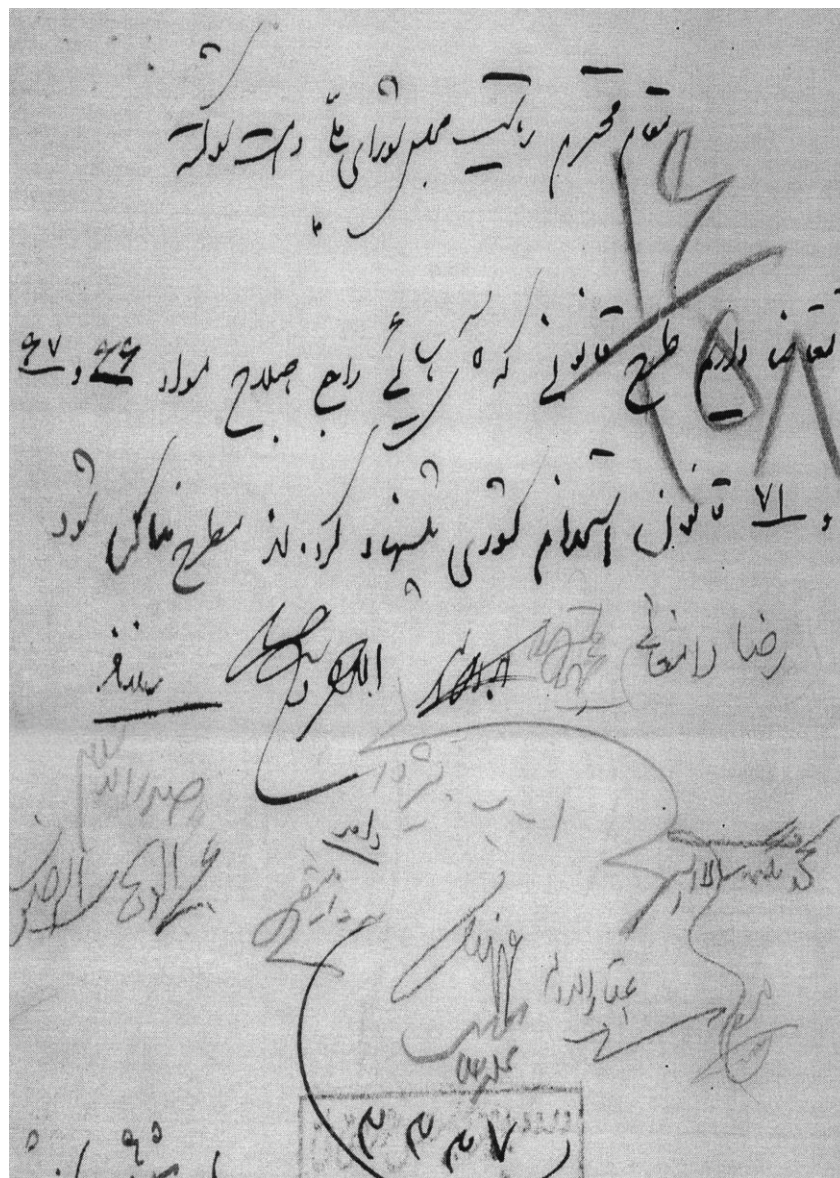
دورنم : نوروز ۱۳۰۲
 دورنم : ۱۳۰۵
 دورنم : ۱۳۰۶
 دورنم : ۱۳۰۹
 دورنم : ۱۳۱۰

نمایندگاری است که در ۱۳۱۰ در ایذه در بین رطبه است

دولت - دولت

۱۸ ۱۹۹۸ ۱۸

نمونه‌ای از اسناد



نمونه‌ای از اسناد

